رقابت قهرمانان با دوست داران اتومبیل رانی در «دست فرمون»

تجربه تماشای مسابقه هم‌زمان اتومبیل‌ها در پیست مارپیچ و قرینه

■ فصل دوم «دست فرمون» متفاوت از فصل گذشته خود در بخش‌های مختلف به روی آنتن شبکه نسیم می‌رود.

گروه سینما و تلویزیون – در فصل اول هر شرکت کننده به صورت انفرادی مسابقه می‌داد و ملاک برای رقابت، زمان بود. شیوه برگزاری اسلالوم‌ها (مسابقه مارپیچ) در دنیا هم به همین منوال است، اما مسابقه «دست فرمون» در فصل دوم شیوه متفاوتی را پیش گرفت که شاید حتی در دنیا هم کم سابقه باشد. در فصل دوم طراحی پیست در ابعادی بزرگ‌تر از فصل اول در ۱۴ هزار متر، به شیوه آینه‌ای اقدامی انجام شد. پیست آینه‌ای؛ یعنی طراحی قرینه زمین مسابقه به گونه‌ای که دو شرکت کننده بتوانند، هم زمان مسابقه دهند. «دست فرمون» در فصل اول توانست مخاطبان زیادی را جذب کند و به هدفش دست پیدا کند. در فصل دوم تغییرات گسترده فرمی و محتوایی زیادی انجام شد. اعمال این تغییرات جسارت بزرگی بود؛ جسارتی که ممکن بود به شکست منجر شود، اما به هر حال انجام شد. پیست آینه‌ای، تصویربرداری نمای باز و سینمایی و فرصت مسابقه هم‌زمان شرکت کننده‌ها هیجان مضاعفی به برنامه داد. تا به اینجا به نظر می‌رسد «دست فرمون» مزد جسارت خود را گرفته است.

نمایش مهیجی از اسباب‌بازی‌ها و موتورهای سنگین

در فصل دوم دو نوآوری دیگر هم انجام شد که ضمن افزودن به هیجان برنامه، مخاطب جوان را نیز بیش از پیش به خود جذب کرد. استفاده از موتورهای سنگین و ماشین‌های «آرسی» همان تغییری بود که باید انجام می‌شد. ماشین‌های «آرسی» به سبکی از ماشین کنترلی گفته می‌شود که دارای ساختار تخصصی و حرفه‌ای‌تر از مدل‌های کنترلی اسباب بازی‌های معمولی است. کیفیت بالا، استفاده تخصصی و تنوع مدل، میانگین سنی بالاتر کاربران، طراحی اختصاصی و قیمت بالاتر نسبت به ماشین اسباب بازی معمولی از ویژگی‌های ماشین «آرسی» است. استفاده از این اسباب‌بازی‌هایی که برخلاف تصور عموم برای بزرگ‌سالان طراحی شده‌اند، تنوع جالبی به برنامه داد. همچنین حضور و رقابت موتورهایی که مخاطب آن‌ها را به دلیل محدودیت‌های قانونی، در خیابان نمی‌بیند، جذابیت بصری برای فصل دوم ایجاد کرد. با رویکردی که «دست فرمون» در فصل دوم پیش گرفته است، در کنار اینکه مخاطب خود را دور از مسابقه نمی‌بیند، نظاره‌گر اتفاقات جدیدی است.

«دست فرمون» مخصوص آدم پولدارها نیست

راهکار برنامه‌سازان «دست فرمون» برای عبور از محدودیت‌ها برگزاری مسابقه به روش «اسلالوم» بود. در مسابقات «اسلالوم» از پیست‌های مارپیچ و موانع استفاده می‌شود. در این شیوه بیش از آن که قدرت اتومبیل ملاک باشد، راننده و مهارت‌های او مورد توجه قرار می‌گیرد. فرصتی که روش «اسلالوم» برای این برنامه تلویزیونی به ارمغان آورد، امکان حضور اتومبیل‌های شهری در یک رقابت جذاب بود. تصور عموم مردم از مسابقات اتومبیل‌رانی چیزی شبیه به «مک کوئین» در انیمیشن معروف «ماشین‌ها» است؛ یعنی ماشین‌هایی که نمی‌توان آن‌ها را در شهر دید. ماشین‌هایی که با قدرت ماورایی و سرعت باورنکردنی در پیست‌های بزرگ مسابقه می‌دهند. شاید تصور کنید که باید در دسته آدم پولدارها باشید که هیجان حضور در چنین مسابقه‌ای را تجربه کنید، اما «دست فرمون» با استفاده از پیست مارپیچ، فرصتی فراهم کرد که شرکت‌کننده‌ها در میزان مهارت کنترلی با یک‌دیگر رقابت کنند. اینکه پراید در کنار ماشین‌های گران قیمت مسابقه بدهد و برنده شود، رویای جذابی بود که «دست فرمون» آن را محقق کرد.

تخصصی، اما عام‌پسند

کسانی که تاکنون تجربه حضور در یک مسابقه اتومبیلرانی را نداشتند با قهرمانان این عرصه رقابت می‌کنند در ظاهر و روی کاغذ ترازوی برد به سمت قهرمان کج می‌شود، اما «دست فرمون» در فصل دوم به واسطه نوع طراحی پیست، این مختصات را بهم ریخت. «دست فرمون» نشان داد که یک قهرمان، همیشه قهرمان نیست و جوانی بدون سابقه با یک پراید هم می‌تواند، شانس برد داشته باشد. تجربه «درگ کردن» در یک مسابقه اتومبیلرانی ایرانی و متناسب با فرهنگ جامعه ما بدون نیاز به صرف هزینه‌های کلان، فرصتی بود که این برنامه فراهم کرد.

«دست‌فرمون» نگاه متمایزی به رانندگان ندارد

مهارت رانندگی به ذات هیچ ارتباطی با زن و مرد بودن راننده ندارد و صرفا متکی به هوش، قدرت تصمیم‌گیری در لحظه، کنترل بر روی اعمال و کسب مهارت با تمرین ممارست دارد. «دست فرمون» سعی کرده است فرصتی فراهم کند که زنان در کنار مردان، رقابت بپردازد. نکته‌ای دیگر در این برنامه رقابت افراد معلولان در کنار شرکت‌کنندگان سالم است.

کارگردان این مسابقه اتومبیلرانی از ایده متفاوت برای ساخت فصل سوم «دست فرمون» خبر داد و گفت: فضای اتومبیلرانی بسیار گسترده است و از آن می‌توان ایده‌های بسیاری هم پیدا کرد. ایده‌ای عجیب و بامزه هم در سر دارم که فعلا فقط گروه محتوا و اتاق فکرمان در جریان آن هستند. صحبت‌های ضمنی آن هم با شبکه انجام شده است. اگر عمری باقی بود آن را در فصل سوم عملی می‌کنیم. اگر این طرح اجرایی شود، برنامه ۷۰ تا ۸۰ درصد با دو فصل پیشین تفاوت پیدا می‌کند.

برای فصل سوم ایده جذابی دارم

مسعود صنم کارگردان مسابقه «دست فرمون» درباره سختی کارگردانی و ضبط چنین برنامه‌ای در شب بیان کرد: زمانی که ایده تولید برنامه «دست فرمون» مطرح شد، طرحم این بود که در شب تصویربرداری شود. از طرفی تاکنون مسابقات اتومبیلرانی شبانه را در ایران ندیده بودیم؛ به همین جهت پافشاری کردم که تصویربرداری در شب باشد و پیست نورپردازی شود. برخی از دوستانی که تجربه بیشتری در حوزه نور و تصویر نسبت به من داشتند و همچنین تعدادی از مدیران با این ایده مخالفت کردند. دوستان کارگردان هم به من گفتند نورپردازی این پیست بزرگ سختی زیادی دارد. وی افزود: پس از آنکه با حسین حاتمی، مدیر نور و تصویر برنامه صحبت کردم، قرار بر این شد که نور پردازی در شب انجام شود. در این زمینه چند مشکل داشتیم؛ یکی این که نورپردازی در این فضا باید واترپروف باشد. همچنین به لحاظ کلوین دوربین باید نوری ارائه می‌شد که در نهایت با کیفیت رنگ و تصویر دوربین‌ها تناسب داشته باشد. برای نورپردازی این فضا نمی‌توانستیم از پروژکتورهایی که برای نورپردازی پارک‌ها و فضاهای عمومی شهر هستند، استفاده کنیم.

تجربه تماشای مسابقه هم‌زمان اتومبیل‌ها در پیست مارپیچ و قرینه

او در ادامه با اشاره به محدودیت‌هایی که در این باره وجود داشت عنوان کرد: چند ماه در این زمینه تحقیق و با چند تولیدکننده داخلی جلساتی برگزار کردیم. از طرفی دفاتر سینمایی امکانات چنین نورپردازی نداشتند. بنابراین مجبور بودیم با یک تولید کننده یا وارد کننده صحبت کنیم که بتواند نور مورد نیاز ما را تأمین کند. فصل اول ساخته شد و خطاهایی هم در این خصوص وجود داشت که باید برطرف می‌شد. در نهایت با تولیدکنندگان داخلی و لطفی که شبکه نسیم به برنامه ما داشت به نور مورد نظرمان رسیدیم. برای اولین‌بار در ایران نورپردازی شبانه در این ابعاد با کیفیتی خوب انجام شد.

یکی از تفاوت‌های قابل توجه فصل دوم در قیاس با فصل نخست این مسابقه تغییر در طراحی پیست و ورود و رقابت همزمان دو ماشین در پیست بود. در کنار این رصد مربیان و مجری از استودیو انجام می‌شد. صنم درباره این تغییر در فصل جدید گفت: از اواسط فصل اول ایده پیست آینه‌ای در ذهنم شکل گرفت. اجرایی شدن این ایده برایم بسیار اهمیت داشت. در نهایت در فصل دوم برنامه را بر طبق این ایده طراحی کردم و تصمیم بر این شد که مسابقات در پیستی انجام شود که به صورت آینه‌ای طراحی شده است.

سازه‌ای بزرگ به جای دکور ساختیم

وی افزود: دکور در فضای ۱۲ هزار متری طراحی شد که هر دو شرکت کننده بتوانند هم زمان مسابقه بدهند. باید فضایی شکل می‌گرفت که به لحاظ مسابقه امن و از منظر تلویزیونی جذاب باشد. ما کل محدوده را آسفالت کردیم. در دور پیست از ورق‌های گالوانیزه سفید رنگ استفاده کردیم که هم جذابیت بصری به پیست بدهد و هم در نور تاثیرگذار باشد. استودیو شماره دو را هم جوری طراحی کردیم که همه بتوانند مشرف به پیست مسابقه را تماشا کنند. بنابراین جایگاهی برای مربی‌ها، کارشناس‌ها و مجری شکل گرفت. به این ترتیب کار ما طراحی دکور نبود؛ سازه بزرگی را برای اجرای برنامه ساختیم.

او در ادامه بیان کرد: ما از خطرات مسابقات اتومبیلرانی آگاه بودیم؛ به همین دلیل باید سازه را محکم می‌ساختیم. چند دوربین از روی بام رقابت را فیلم‌برداری می‌کنند. آهن های بسیاری استفاده شد. در نهایت سازه استواری ساختیم که سالیان سال می‌تواند باقی بماند. سه وجه این سازه بسته و یک وجه باز طراحی شد. همچنین سعی کردیم طراحی آن کمی خشن باشد و شبیه به دکورهای تلویزیونی نرم نباشد. استودیو گاراژ هم به دست خانم فیروزآذر طراحی شد که بتواند به ما چند وجه برای انجام مصاحبه‌ها بدهد. استودیو داخلی هم تغییرات چندانی نداشت؛ فقط لوگو از حالت براق به میکروسمنت (پوشش تزئینی) تغییر کرد. فلش‌های دور آن هم با ۷۰۴ لامپ روشن شد. کارگردان این مسابقه اتومبیلرانی از ایده متفاوت برای ساخت فصل سوم «دست فرمون» خبر داد و گفت: فضای اتومبیلرانی بسیار گسترده است و از آن می‌توان ایده‌های بسیاری هم پیدا کرد. ایده‌ای عجیب و بامزه هم در سر دارم که فعلا فقط گروه محتوا و اتاق فکرمان در جریان آن هستند. صحبت‌های ضمنی آن هم با شبکه انجام شده است. اگر عمری باقی بود آن را در فصل سوم عملی می‌کنیم. اگر این طرح اجرایی شود، برنامه ۷۰ تا ۸۰ درصد با دو فصل پیشین تفاوت پیدا می‌کند.

فینال جذاب‌تری در فصل دوم خواهیم داشت

محمود محمودی تهیه کننده مسابقه «دست فرمون» درباره سختی‌های ساخت چنین مسابقه‌ای و ارزیابی خودش از موفقیت آن عنوان کرد: تعدادی از برنامه‌های تلویزیون نمونه مشابه خارجی دارند که کمی ایرانیزه می‌شوند. می‌توان جای دوربین‌ها را هم مانند نمونه خارجی طراحی کرد، اما «دست فرمون» این کار را نکرد. «دست فرمون» برای این تلاش کرد که مسابقه راننده‌ها بر اساس مهارت رانندگی با ماشین‌های شخصی خود شرکت کنندگان انجام شود. این باید تبدیل به یک برنامه تلویزیونی می‌شد که مخاطب آن را بپذیرد. شروع کار ریسک بزرگی بود که آیا مخاطب می‌پذیرد که تماشاچی مسابقه‌ای باشد که ابزار آن ماشین‌ها هستند.

وی ادامه داد: ما این ریسک را پذیرفتیم و فصل اول ساخته شد که بازخوردهای خوبی گرفتیم. در فصل دوم هم با ایده آقای صنم مسابقه شکل متفاوتی به خود گرفت. خروجی از نظر ما خوب است. در ادامه مردم باید نسبت به برنامه قضاوت کنند. نظر مردم هم در نظرسنجی‌ها مشخص می‌شود. تهیه کننده «دست فرمون» در پاسخ به این سوال که آیا هزینه ساخت دکورها و پیست مسابقه رقم قابل توجهی بوده، گفت: وقتی طرح فصل دوم در اختیار من قرار گرفت و درباره آن گفت‌وگو کردیم، متوجه شدیم که عملی کردن آن نیازمند این است که کل پیست آسفالت شود. علاوه بر این باید استودیویی به نام استودیو شماره دو در آن ساخته شود. همچنین در اطراف پیست در جهت حفظ امنیت باید مقدار زیادی ورق‌های گالوانیزه استفاده می‌کردیم که در حد امکان، شوت‌آف دوربین‌ها گرفته شود. وی عنوان کرد: در فصل اول هزینه‌هایی برای ساخت دکور صرف شده بود. در فصل دوم هم برای ساخت استودیو شماره دو و گسترش پیست هزینه صرف شد. مدیران شبکه بسیار همراهی کردند و مصمم بودند که فصل دوم ساخته شود. خدا را شکر با پیش تولید چند ماهه، این کار محقق شد. چند تُن آهن به کار رفت و سازه عظیمی به نام استودیوی شماره دو ساخته شد. این استودیو دکور نیست و می‌تواند برای سالیان سال پابرجا باقی بماند. ما برای ساخت آن نیاز به چهار کانتینر داشتیم که پیدا کردن آن‌ها در آن ابعاد و استقامتی که می‌خواستیم بسیار سخت بود. ساخت چنین دکوری در ایران، کاری سخت بود، اما گروه فنی بسیار مسلط به کار بودند و خوشبختانه آنچه در ذهن مان بود عملی شد. با توجه به نزدیک شدن به قسمت‌های پایانی این مسابقه، محمودی درباره فینال این فصل بیان کرد: در فصل دوم فینال جذاب‌تری نسبت به فصل قبل خواهیم داشت. تصمیم بر این است که فینال ماشین، موتور و آرسی در یک شب اتفاق بیفتد و تغییر پیست همزمان باشد. این که همه در یک روز حضور داشته باشند خود نوید یک فینال جذاب را می‌دهد. تقدیری هم از بچه‌های توان‌یاب انجام خواهد شد و با رای مربی‌ها هم یک پدیده معرفی می‌کنیم.

نحوه ورود به این رشته به کابوسی برای آنان تبدیل شده بود

بهنام صفاریان مربی و داور بخش اتومبیلرانی مسابقه «دست فرمون» درباره تاثیرگذاری ساخت چنین مسابقه‌ای در جامعه گفت: در فصل دوم مسابقه «دست فرمون» ما از تلفیق سه رشته اسلالوم، جیم کانا و کارپارک دریفت استفاده کردیم؛ البته با نوعی ابتکار که خودروهای دیفرانسیل جلو بتوانند در مسیرهای طراحی شده به رقابت بپردازند.

وی افزود: موارد زیادی داشتیم که شرکت‌کننده با ماشین شخصی که برای مصارف روزمره از آن استفاده می‌کرد، در مسابقه شرکت کرده و برنده هم شده، زیرا مهارت، دقت و عکس‌العمل خوبی داشته و به موقع تصمیم می‌گرفت. در این مسابقه افرادی که مهارت دارند می‌توانند در محیطی ورزشی حرکات نمایشی را انجام دهند، در حالی که انجام این حرکات در خیابان‌ها و بزرگراه‌ها خطرآفرین است. صفاریان عنوان کرد: «دست فرمون» بستری فراهم کرده است که افراد مستعد و علاقمند به این رشته به رقابت بپردازند و با قهرمان‌شدن دیده شوند؛ به همین دلیل از سوی جامعه مورد توجه و احترام قرار می‌گیرند. این اتفاق در نهایت به فرد آرامش می‌دهد. وقتی جوانی به آرامش رسیده و از سوی جامعه هم پذیرفته شده است، دیگر دست به حرکات نمایشی خطرناک در سطح خیابان‌ها نمی‌زند. در حقیقت بستری ایجاد می‌شود که در خلال آن فرهنگ‌سازی در این حوزه رخ بدهد. این کارشناس و مربی در ادامه بر وجه استعدادیابی مسابقه «دست فرمون» تاکید کرد و گفت: جوانان بسیاری علاقمند به این رشته هستند. این جوانان دوست دارند انرژی خود را در جایی تخلیه کنند، اما نحوه ورود به این رشته به کابوسی برای آنان تبدیل شده بود. همیشه این خیال در سر جوانان بود که فقط با ماشین‌های مسابقه‌ای میلیاردی می‌توانند به این رشته ورود کنند. استعدادهای بسیاری در این حوزه داریم، اما چون پیست‌های اتومبیلرانی برای این کار خیلی کم و محدود است و در خیلی از شهرستان‌ها اصلا پیستی وجود ندارد، گاه انرژی خود را در خیابان‌ها و جاده‌ها خالی می‌کردند. سعی کردیم در «دست فرمون» این استعدادها را به محیط‌های ورزشی، متمرکز کنیم. او درباره توجه ویژه به حضور بانوان در مسابقه اتومبیلرانی «دست فرمون» بیان کرد: حضور بانوان در مسابقه بسیار برای ما اهمیت داشت، زیرا در جامعه دید بدی نسبت به رانندگی آن‌ها وجود دارد. در «دست فرمون» زنان و مردان باهم مسابقه دادند و این باعث افزایش اعتماد به نفس و تغییر دید عمومی نسبت به رشته اتومبیلرانی در بخش بانوان شد. در این برنامه افراد از اقشار و مشاغل مختلف در کنار هم هستند.

مروری بر آثار عمو خسرو سینمای ایران

گروه سینما و تلویزیون –خسرو شکیبایی یا همان عمو خسرو، بازیگری بود که همگان بر این باورند زود از میان ما رفت. بازیگری که برخی فیلم‌ها را فقط و فقط حضور او توانست ماندگار کند. اگر فرد فیلم‌بینی هستید و این روزها در سینمای ایران و جهان به خاطر شرایط کرونا تولیدات سینمایی و تلویزیونی کم شده است، بد نیست برخی فیلم‌ها را مرور کنید که هیچ گاه دیدن آنها تکراری نخواهد بود و باد دیدن آنها می‌توان با فضای زیسته سیاسی و اجتماعی آن دهه آشنا شوید. خسرو شکیبایی یا همان عمو خسرو، بازیگری بود که همگان بر این باورند زود از میان ما رفت. شعرهایی که خواند هنوز هم با صدای او شنیده می‌شود و بازی‌های بی‌نظیرش فراموش نشدنی است. چند فیلم از خسرو شکیبایی را مرور می‌کنیم.

هامون

فیلم هامون شاید نماد روشنفکری در دهه خود بود و طرفداران بسیاری نیز هم اکنون دارد اما باید قبول کرد که بازی بی‌نظیر خسرو شکیبایی وزنه سنگینی برای ماندگاری این فیلم شد. هامون فیلمی اجتماعی و سورئالیستی بود که داریوش مهرجویی در سال ۱۳۶۸ ساخت. از بازیگران معروف این فیلم می‌توان به بیتا فرهی، عزت‌الله انتظامی، فتحعلی اویسی اشاره کرد. داستان فیلم این گونه است که حمید هامون که با همسرش، مهشید، دائم کش‌مکش دارد و زندگی کابوس گونه خود را مرور می‌کند. او که مشغول نوشتن رساله‌اش درباره عشق و ایمان است، در پی دوست قدیمی و مرادش علی عابدینی می‌گردد.

چه کسی امیر را کشت؟

فیلمنامه چه کسی امیر را کشت؟ را مهدی کرم‌پور، خسرو نقیبی و مهدی کیا نوشته‌اند و مهدی کرم‌پور این فیلم را کارگردانی کرده است. شاید خسرو شکیبایی در این فیلم نقشی به نسبت کمرنگ دارد اما بازی متفاوت و لحن او در این فیلم تماشاگر را جذب خود می‌کند تا آن جا که دوست دارد سکانس‌های مربوط به شکیبایی پایانی نداشته باشد. این فیلم در مورد امیر است که کشته می‌شود و تمام آشنایان و دوستانش به خوبی از او یاد می‌کنند اما بعد از مدتی شروع می‌کنند به بدگویی از او و حتی کمی که می‌گذرد نزدیک‌ترین کسانش جسد او را نمی‌توانند شناسایی کنند.

روزی روزگاری

موسیقی ابتدایی سریال روزی روزگاری و اسبی آتش گرفته که دوان دوان در صحرا می‌دود، صحنه‌ای نیست که به‌راحتی از حافظه بینندگان تلویزیون در دهه ۷۰ پاک شود. مجموعه‌ای تلویزیونی به کارگردانی و نویسندگی امرالله احمدجو ساخته شد و از شبکه یک تلویزیون ایران پخش شد. خسرو شکیبایی در این فیلم نقش مرادبیگ یک راهزن را دارد که بازی به یاد ماندنی را ارائه کرده است. سریال داستان راهزنی معروف به نام مرادبیگ است که طی نزاعی با گروه راهزن دیگری مجروح شده و توسط خانواده روستایی از مرگ نجات پیدا کرده و طی زندگی با این روستاییان تحولاتی عمیق در زندگی او رخ می‌دهد. رفته رفته در طول داستان متحول و به فردی صالح تبدیل می‌شود.

حیران

فیلم سینمایی حیران آخرین فیلمی است که خسرو شکیبایی در آن بازی کرده است. ماهی دختر روستایی با «حیران» مهاجر جوان افغانی آشنا می‌شود و با وجود مخالفت خانواده با او ازدواج می‌کند، پیوندی که پیامدهای بسیار دارد. فیلم حیران اولین تجربه سینمایی بلند شالیزده عارف پور است. نوع بازی مهرداد صدیقیان و باران کوثری در کنار بازی خوب و چشم گیر و روان زنده یاد خسرو شکیبایی مسیر روایت داستان را به نوعی پیش برده و آن را در اثنای درام حفظ کرده که مخاطب تا پایان داستان همراهی نرم و صمیمی و گرمی را با قصه در خود احساس می‌کند و هرگز از فیلم دور نمی‌افتد.

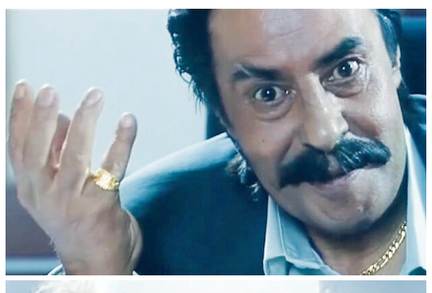

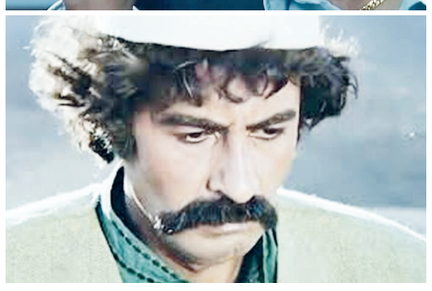

درباره تنت؛ اکشن اما پیچیده

گروه سینما و تلویزیون – تنت پس از اکران توانست نظر مثبت منتقدان را برای خود کند و تمجیدهای فراوانی برای وجه فنی از آن شد اما در کنار تمامی تعریف‌ها نولان نتوانست کاری بی‌نظیر بسازد و از نظر پیچیدگی و گنگ بودن داستان و ضعف در شخصیت‌پردازی مورد انتقاد قرار گرفت. نولان طرفداران خاص خود را دارد. چندین سال است که هوادارانش در سراسر جهان چشم انتظار او هستند تا فیلم جدید بسازد و ساعاتی پای فیلمش بنشینند. فیلم‌های او همگی دارای امضای خاص نولان است. فیلم‌هایی که زمان در آنها نقشی اساسی و جدایی ناپذیری دارد. حالا کریستوفر نولان آخرین فیلم خود؛ «انگاشته» را در معرض نمایش تماشاگران سراسر جهان قرار داده است. تِنت یک فیلم اکشن و دلهره آور است و اگر طرفدار این دسته فیلم‌ها هستید، بهترین انتخاب را برای دیدن یک فیلم داشته‌اید. ماجرا از جایی شروع می‌شود که تنت که یک آژانس مخفی است، یک مامور CIA را دنبال می‌کند. یک اجرای سمفونیک در کیف مورد حمله قرار می‌گیرد و مامور سیا که نامش در فیلم به طرز وحشتناکی با عنوان قهرمان داستان برده می‌شود، برای بازیابی یک همکار و یک شئ عجیب، مخفیانه به این ماموریت فرستاده می‌شود. بعد از افتتاحیه اجرای سمفونیک، قهرمان داستان دستگیر و شکنجه می‌شود و او تلاش دارد که اطلاعاتی را تحت شکنجه لو ندهد و به همین دلیل تلاش می‌کند با خوردن قرص سیانور خودکشی کند. پس از آن نشان داده می‌شود که قهرمان داستان زنده است و قرص سیانورش جعلی بوده. این جاست که برای او مشخص می‌شود تمام آن چه بر سرش آمده نقشه از پیش طراحی شده آژانسی است که برای آنجا کار می‌کرده تا وفاداری او را آزمایش کنند. البته این همه داستان نیست چرا که فیلم‌های نولان به همین سادگی ساخته نمی‌شوند و زمانی که مفهوم پیچیده زمان به هر امری ورود پیدا کند حتی فهم آن را دشوار می‌کند و نولان برای فیلم بردای این فیلم یک هواپیمای واقعی ۷۴۷ را منفجر می‌کند. تنت پس از اکران توانست نظر مثبت منتقدان را برای خود کند و تمجیدهای فراوانی برای وجه فنی از آن شد اما در کنار تمامی تعریف‌ها نولان نتوانست کاری بی‌نظیر بسازد و از نظر پیچیدگی و گنگ بودن داستان و ضعف در شخصیت‌پردازی مورد انتقاد قرار گرفت. فیلم ۳۵۷ میلیون دلار در سراسر جهان فروش کرد در حالی که ۲۰۰ میلیون دلار بودجه ساخت آن بوده است البته این نکته را نباید فراموش کرد که اکران این فیلم هم زمان با بیماری فراگیر کرونا در سراسر جهان بود که نقش اساسی در فروش این فیلم بازی کرد. جان دیوید واشنگتن، رابرت پتینسون، الیزابت دبیکی، کلیمانس پوزی، مایکل کین، آرون تایلر–جانسون، کنت برانا و دیمپل کاپادیا بازیگران اصلی فیلم هستند و بازی همگی آنها مخصوصا واشنگتن به عنوان قهرمان داستان مورد تشویق تماشاگران قرار گرفته است. طبق نظر کسانی که فیلم را دیده‌اند در قسمت‌هایی از فیلم، بینندگان نمی‌توانند دیالوگ های تنت را به طور کامل درک کنند و احتمالا در تلاش برای درک طرح پیچیده آن نیز همین مشکل را دارند. گفتنی است که بعد از فیلم‌های پرستیژ و بی خوابی این سومین فیلم نولان است که هانس زیمر ساخت موسیقی آن را برعهده ندارد. آهنگسازی این فیلم برعهده لودویگ گورانسون است که در سال ۲۰۱۸ برای ساخت موسیقی فیلم پلنگ سیاه برنده جایزه اسکار بهترین موسیقی فیلم شد. به کریستوفر نولان نقدهایی وارد است که ذائقه مخاطب خود را به شدت هالیودی کرده است و فیلم‌هایش آن چه که باید را نمی‌گویند اما واقعیت این است که نولان اکنون توانسته تماشاگران بسیاری در سراسر جهان را چشم انتظار خود نگه دارد و در این امر به شدت موفق بوده است.

قطب‌الدین صادقی؛ از بازی در «سنجرخان» تا «شاپور ریپورتر» مرموز

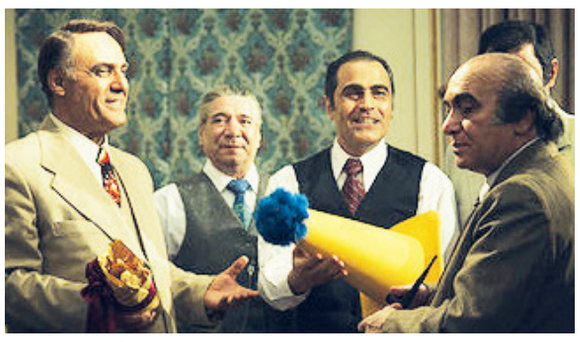

گروه سینما و تلویزیون – قطب الدین صادقی، بازیگر نقش شاپور ریپورتر در سریال «معمای شاه» می‌گوید به تاریخ علاقه دارد اما ایفای نقش‌های تاریخی دشوارتر از دیگر نقش‌هاست؛ چراکه مخاطب شخصیت‌های تاریخی را به خوبی می‌شناسد و با نقش مقایسه می‌کند. قطب الدین صادقی از اساتید شناخته شده رشته هنرهای نمایشی به شمار می‌رود که فعالیت اصلی اش را بر پژوهش و آموزش متمرکز کرده است.

این مدرس دانشگاه البته نیم نگاهی به بازیگری هم دارد و گهگاه در فیلم‌ها و سریال هایی جلوی دوربین می‌رود که سریال های تاریخی ـ سیاسی سهم عمده ای را در میان این آثار به خود اختصاص داده اند؛ «کیف انگلیسی»، «کلاه پهلوی»، «پروانه» و «معمای شاه» از جمله این سریال ها هستند. صادقی در «معمای شاه» ایفاگر نقش شاپور ریپورتر، یکی از چهره های مرموز و بحث برانگیز تاریخ معاصر ایران به خصوص در عصر پهلوی دوم است. او ایفای نقش های تاریخی را در عین جذابیت، بسیار دشوار می داند و تاکید می کند که مخاطبان چنین آثاری، آگاهی و شناخت نسبی از شخصیت های تاریخی دارند و به مقایسه می پردازند. صادقی، شاپور ریپورتر را شخصیتی مرموز و چند وجهی توصیف می کند که همین خصیصه، باعث جذابیت و دشواری ایفای نقش او به شکل توأمان شده است. این بازیگر تاکید می کند که زندگی رازآلود و پیچیده ریپورتر حتی می تواند دستمایه ساخت یک فیلم و سریال مستقل درباره این شخصیت پرنفوذ و مرموز تاریخی قرار بگیرد. قطب الدین صادقی قرار است به زودی و با شروع فیلمبرداری سریال «سنجرخان» در این مجموعه تاریخی نقش آفرینی کند. این هنرمند در سریال محمدحسین لطیفی، علاوه بر بازی، به عنوان مشاور هم حضور دارد. این شب ها آی فیلم سریال «معمای شاه» به کارگردانی محمدرضا ورزی را بر روی آنتن خود دارد. به همین بهانه گفت و گویی داشته ایم با قطب الدین صادقی، بازیگر نقش شاپور ریپورتر در این مجموعه نمایشی تاریخی.

سعید نیک‌پور، گوهر خیراندیش، امیریل ارجمند، نرگس محمدی، نازنین فراهانی، جعفر دهقان، داریوش کاردان، حدیث فولادوند، مهراوه شریفی نیا، علی دهکردی، شکر خدا گودرزی، گیتی ساعتچی، یوسف صیادی، رز رضوی، حمدرضا شریفی نیا، احمدنجفی، عبدالرضا اکبری و حسام نواب صفوی از دیگر بازیگران سریال «معمای شاه» هستند. صادقی درباره فعالیت‌های اخیرش گفت: به زودی قرار است سریال «سنجرخان» را کلید بزنیم. این سریال در صداوسیمای مرکز کردستان ساخته می شود و درباره سنجرخان، وزیری مشهور به سردار اکرم است که سه بار توانست روس ها را شکست دهد.

سریال «سنجرخان» را محمدحسین لطیفی کارگردانی می کند و من به عنوان بازیگر و مشاور اصلی در این اثر حضور دارم. او که در سریال های تاریخی همچون «کیف انگلیسی»، «کلاه پهلوی» و «معمای شاه» حضور داشته است، درباره علاقه‌اش به تاریخ و کارهای تاریخی عنوان کرد: علاقه ویژه ام به تاریخ که قابل کتمان نیست؛ اما یک نکته مهم را باید مد نظر داشت. حضور در فیلم ها و سریال های تاریخی همان قدر که برای یک بازیگر جذاب است، در عین حال می تواند دشوار هم باشد. مخاطبی که به تماشای آثار تاریخی می نشیند، آگاهی و شناخت دارد از شخصیتی که شما به عنوان بازیگر ایفاگرش هستید و خواهی نخواهی در مقام مقایسه برمی آید.

در اینجا کار بازیگر سخت تر از همیشه می شود؛ چرا که باید تمام تلاش خود را به کار ببندد تا بتواند نقش را بر مبنای واقعیات تاریخی ایفا کند.

البته طبیعی است که همه اتفاقات و رخدادهای یک فیلم یا سریال تاریخی منطبق بر واقعیات تاریخی و مستندگونه نباشد و نویسنده و کارگردان بر مبنای خلاقیت خودشان و برای بالا بردن بار دراماتیک اثر، چیزهایی را از خود به قصه افزوده باشند. صادقی درباره ایفای نقش «ریپورتر» در سریال «معمای شاه» توضیح داد: ریپورتر یکی از شخصیت های عجیب و غریب تاریخ معاصر ایران است که نقش آفرینی ویژه ای در پشت پرده مناسبات سیاسی کشور داشته. این نقش آفرینی در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد و زمینه سازی برای این اتفاق، به اوج خودش می رسد. او جاسوس سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا در ایران بوده و نفوذ عجیبی در دربار و در میان سیاستمردان عصر پهلوی داشته است. حوزه نفوذ ریپورتر فقط به سیاست خلاصه نمی شد و او در سیاست گذاری های کلان اقتصادی و فرهنگی و حتی نظامی هم نقش ویژه ای داشت. برای مثال، در تاریخ از او به عنوان واسطه محمدرضا شاه با بعضی از کمپانی های اسلحه سازی یاد شده است. او درباره ویژگی های شخصیتی این نقش افزود: مرموز بودن و شخصیت چند وجهی اش برایم جالب بود. ریپورتر اصولاً یک کاراکتر رازآلود و عجیب و غریب است که شناخت کامل از او به آسانی به دست نمی آید. او در زندگی شخصی اش یک شخصیت دارد و در مناسبات حرفه ای و سیاسی اش یک شخصیت دیگر. این وجوه مختلف شخصیتی، ایفای نقش چنین کاراکتری را خیلی دشوار می کند. اصولاً همین رفتارهای چندگانه است که باعث شده دانسته های زیادی از ریپورتر در تاریخ موجود نباشد. البته همین مرموز و چند وجهی بودن شاپور ریپورتر زندگی او را برای مخاطب جذاب می کند. این بازیگر در پاسخ به این سوال که چرا با وجود ویژگی های جذاب این شخصیت کمتر به او پرداخته شده است؟ با توضیح اینکه زندگی رازآلود و فعالیت های مخفی ریپورتر باعث شده که کمتر به سراغش بروند، گفت: معتقدم که زندگی ریپورتر آنقدر جذابیت و ناگفته های شنیدنی دارد که حتی می تواند سوژه اصلی یک فیلم و سریال قرار بگیرد و به شکل مستقل و مفصل به این عنصر مرموز تاریخ معاصر ایران پرداخته شود.
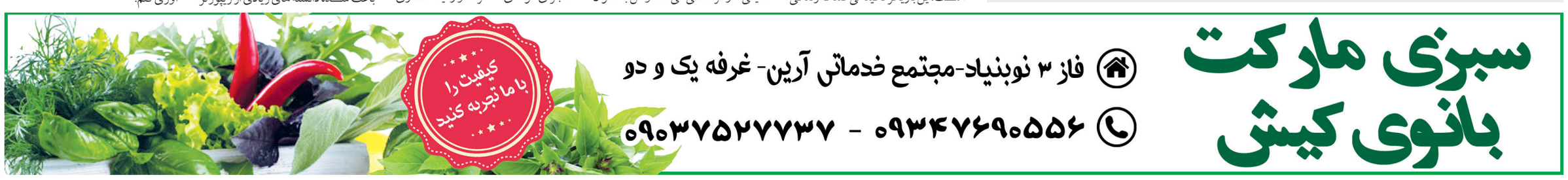
صادقی درباره این شخصیت تاریخی و اطلاعاتش درباره او افزود: درباره این شخصیت اطلاعات چندانی در دست نیست که به سبک زندگی رمزآلود و عجیب و غریب او بازمی گردد. با این حال، وقتی صحبت بازی در «معمای شاه» جدی شد، با مراجعه به کتب تاریخی تلاش کردم هر اطلاعی را که موجود است رصد و جمع آوری کنم.